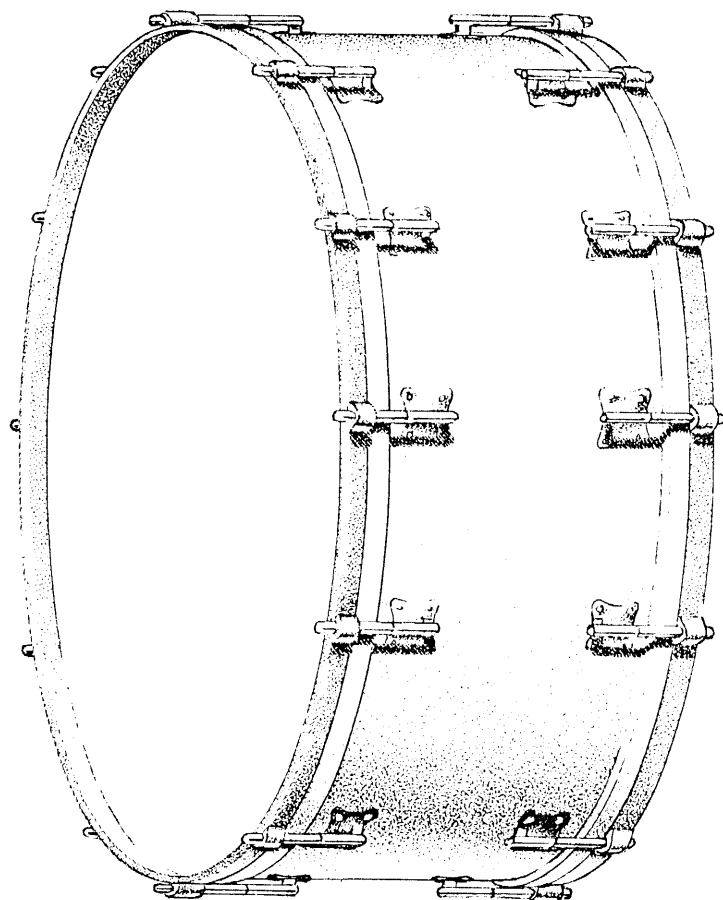




6

طار [Tār] سازی است ضربی که با دست یا با قطعه‌ای چوب بصدا در می آید.

طارخانیان، والودیا [Váldyá Tárxányán] استاد تعلیم ویلن در هنرستان عالی موسیقی تهران و همدوره با ابراهیم روحی فر، قاسم طالب زاده و رحمت افشار.

طاس [Tás]: سازی کوبه‌ای با دو کاسه فلزی است. دهانه بالای این ساز که بر آن پوست کشیده اند، نسبت به دهانه پائین آن کمی گشادتر است و دو تکه چرم مقاوم بر آن کوبیده اند. کلمه طاس، پهلوی بوده و فارسی آن طاسه است. این ساز در گوردستان معمول است.

طاطائی، حسین قلی [Hoseyn-goli Tátái]: از نوازندگان مشهور ویلن و همدوره با تاج اصفهانی، ملوک ضربابی و جواد بدیع زاده. اوج فعالیت این هنرمند در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۷ خورشیدی بود. حسین قلی طاطائی در سال ۱۲۸۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از سن ۱۲ سالگی، گوشه های آوازی را از پدرش آموخت، و از سن ۱۷ سالگی وارد مدرسه موزیک نظام شد و بمدت ۸ سال، تحت نظر زنده یاد غلامرضا مین، باشیان معروف به سالار معزز به تحصیل موسیقی پرداخت.

در خارج از مدرسه، او از محضر استاد هائی چون: میرزا عبدالله، درویش خان و علیرضا چنگی بهره گرفت. او بعد از جنگ جهانی اول، در سینماهای بدون ناطق آن زمان می ایستاد و با نواختن ویلن، فیلم را با موسیقی همراهی میکرد. و همزمان در گراند هتل برنامه اجرا می کرد. طاطائی از سال ۱۳۱۹ همزمان با تأسیس رادیو، همکاریش را با این سازمان آغاز کرد و در ارکستر رامتین به نوازندگی پرداخت. او در سال ۱۳۴۰ کلاس موسیقی خود را در باغ فردوس دایر کرد.

از این هنرمند، تعدادی صفحه همراه با روح انگیز، ادیب خوانساری، بنان و ایرج وجود دارد. حسین قلی طاطائی آهنگساز زبردستی است که ترانه و آهنگهای معروفی از خود بجا گذاشته است.

طاق [Tāg]: مجموع ربع پرده های هر فاصله را گویند.

طاقدیس [Tāgdis]: نام لحن پنجم باربد است. طاقدیس تخت معروف خسرو پرویز بوده که بزرگترین نفایس دربار او محسوب میشده و گویند بشکل طاق و آسمانه آن از طلا و سنگ لاجورد بود و ستاره ها، هفت اقلیم و صور پادشاهان و غیره بر آن نقش بسته بود و چهارقالی از دیبای زربفت مرصع به مروارید و یاقوت در آن گسترده بودند. امروز، در ردیف های موسیقی سنتی ایران، گوشه ای بنام تخت طاقدیس در

دستگاه نوا نواخته میشود.

طالب [Tāleb]: از مقام های موسیقی مرکزی مازندران.

طالب آملی [Tāleb Āmoli] طالب آملی (طالب) از شاعران معروف در سده یازدهم هجری است که در دیار هند شهرت بسیار یافت. ولادتش در آمل بود و همانجا به تحصیل دانش و ادب پرداخت. در نوجوانی به شاعری روی آورد. به سال ۱۰۱۰ از آمل خارج شد، مدتی در اصفهان زیست. بعدها به خراسان رفت و از آنجا به هند عزیمت نمود. او در سال ۱۰۲۸ هجری در هندوستان به مرتبه ملک الشعرائی رسید. سال وفات او ۱۰۳۵ هجری است. دیوان اشعارش را بالغ بر نه تا پانزده هزار بیت نوشته اند در حالیکه نسخه چاپی کتاب او که در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در تهران چاپ شده حاوی ۲۲۹۶۸ بیت است.

طالب زاده، ابوالقاسم [Abolqāsem Tālebzāde] از رؤسای هنرستان عالی موسیقی تهران در سال ۱۳۵۵ خورشیدی، پس از علی رهبری و پیش از ابراهیم روحی فر. ابوالقاسم طالب زاده، سالها در هنرستان عالی موسیقی به تدریس ویلن اشتغال داشتند.

طالبی، اصلان [Aslān Tālebi]: از عاشیق های معروف شهرستان خوی. اصلان طالبی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در روستای چای پاره در حومه قره زادینی آذربایجان غربی بدنیا آمد. تا جوانی در آنجا بود و در سن ۲۵ سالگی به خوی آمد. او نزدیک به ۶۰ سال است که عاشیقی می کند.

طالبی، غلام [Qolām Tālebi]: غلام طالبی بابای زار در سال ۱۲۹۷ خورشیدی بدنیا آمد، خواهر او فاطمه طالبی، مامای «زار» «نوبان» و «مشایخ» بود که درگذشت. پس از مرگ خواهر، غلام طالبی به گروه اجراکنندگان مراسم زار، نوبان و مشایخ در هرمزگان پیوست و ۲۵ سال است که به این کار مشغول است.

طالبی، نور محمد [Nur-Mohammad Tālebi]: نور محمد طالبی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در روستای قادیگلای بزرگ شهرستان شاهی بدنیا آمد. او مقام ها و نغمه های مناطق مرکزی مازندران را از پدرش آموخت.

او بیش از چهل و پنج سال سابقه در خوانندگی دارد. شغل او سابقاً نوازندگی و خوانندگی بوده است او در حال حاضر در روستای کفشگرکلاه شاهی زندگی می کند.

طالبی، نوشین [Nušín Tàlebi]: نوازنده چیره دست ویلن، در گروه ویلن اول هنرستان عالی موسیقی تهران.

طالع همدانی، عبدالله [Abdollah Tàlew Hamadāni]: شاعر ملی قوم یهود، آهنگساز، نوازنده زبردست ویلن و ترانه سرا در سال ۱۲۹۲ خورشیدی بدنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه آلیانس همدان گذراند و به زبانهای فرانسه و انگلیسی تسلط یافت. او نزد تقی شایگان، ویلن را آموخت. به کلیه دستگاه ها و گوشه های موسیقی سنتی آشنا شد. اولین تصنیف خود را در سال ۱۳۱۰ با نام: «باد خزان» ساخت و در ۱۸ سالگی، ساخت تصنیف را بطور جدی دنبال کرد. وی از سال ۱۳۲۳ خورشیدی به عنوان، «خواننده گمنام» در رادیو برنامه اجرا میکرد. در اواخر سال ۱۳۲۵ چند صفحه از صدای ساز و آواز رسای او پُر شد. دیوان او بالغ بر هفت هزار بیت دارد. صدا و آواز استاد عبدالله طالع همدانی در سن ۹۱ سالگی، در زمستان ۱۳۷۹ که ایشان به کالیفرنیا جهت دیدار فرزندان آمده بودند، ضبط و در آرشیو صدا خانه ملی ایران در غربت نگهداری میشود.

طالقانی، لسان [Lesān Tālegāni]: از خوش خوانان عهد قاجار که صدای خوبی داشته است. او همدوره با سید محمود واعظی، اعتماد شیرازی و شیخ اسداله (امین الواعظین) است.

طالقانی، ملا داداش [Mollā - dādās Tāleqāni]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجاریه.

طالقانی، میرزا ابوالفضل [Mirzā - Abolfazl Tāleqāni]: از خوانندگان و شبیه خوانهای عهد قاجاریه و شاگرد جناب قزوینی است.

طاوول [Tāvol]: سازی است کوبه ای شبیه به دُهل.

طاووس، دسته موزیک [Dasteye Muzike Tāvos]: از دسته موزیک نوازندگان زن در عهد قاجاریه و همدوره با دسته موزیک گل رشتی و دسته موزیک ماشاءاله.

طاهر بن فضل چغانی [Tāher ebn Fazl Cogāni]: امیر ابویحیی یا ابوالحسن یا ابوالمظفر محتاج چغانی، یکی از امرای آل محتاج چغانیان است که اشعار بسیار لطیف و زیبا دارد. این امیر و شاعر در سال
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

۳۸۱ هجری از پسر عمه خود شکست خورد، فراری و بقتل رسید.

طاهر زاده [Táherzâde]: خواننده مشهور پیش از انقلاب که از او آلبوم: شب دریاچه با ترانه هائی چون: آلونک، خورشید در آینه، نجابت، پری برفی، گلبرخ، کوچه، غنچه خورشید، کوچ و یادته در دسترس میباشد.

طاهر زاده، سید حسین [Seyyed - Hoseyn Táherzâde]: خواننده ممتاز و پُراح که سبک و شیوه خاصی در خواندن ترانه های ایرانی داشت. سید حسین طاهر زاده در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. در هفده سالگی به تهران آمد و برحسب تصادف با حسام السلطنه که از ردیف شناسان موسیقی و نوازنده ویلن بود، آشنا شد. آشنائی بعدی طاهر زاده با میرزا عبدالله و سماع حضور بود. در زمینه آواز، طاهر زاده از استادی بنام سید رحیم، بهره فراوانی برد. در خانه ظهیرالدوله به فیض دیدار درویش خان نائل آمد و بعدها همراه او جهت ضبط صفحه به لندن رفت. طاهرزاده در بین خوانندگان قدیمی، تنها کسی است که سبکی متمایز داشت، تحریرهای او متنوع و توجه کامل به درست ادا کردن اشعار داشت. طاهرزاده در شهریور ۱۳۳۴ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

طاهر زاده، منوچهر [Manucehr Táherzâde]: از خوانندگان مشهور کرمانشاه، در پیش از انقلاب و همدوره با اسماعیل پیرخدری، حشمت اله لرنژاد، حسین البرزی و جمشید عزیز خانی.

طاهری، اردوان [Ardaván Táheri]: نوازنده چیره دست سه تار و از اعضای فعال گروه موسیقی حافظ در ایران.

طاهری، ایرج [Irag Táheri]: موسیقیدان و نوازنده قدیمی و استاد تعلیم موسیقی که سالها در آموزشگاه آپادانا نو، در تهران به تعلیم هنرجویان می پرداخت و پس از انقلاب به آمریکا آمده و در لس آنجلس فعالیت دارد.

از این هنرمند، ساخت موزیک متن فیلم «اسلحه» ساخته ناصر محمدی و با شرکت رضا بیک ایمانوردی و روشنگ صدر قابل ذکر است.

طاهری، پژمان [Pezmán Táheri]: نوازنده زبردست سنتور، آهنگساز و سرپرست گروه موسیقی حافظ در ایران.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z واته های (القای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vokdan) V,v O,o C,c U,u جوب (Cub) Z,z زاله (Zále)

طاهری، سید نادر [Seyyed Nâder Tâheri]: از تنبور نوازان مشهور و قدیمی کرمانشاه.

طاهری، هادی [Hâdi Tâheri]: نوازنده زبردست ضرب در ارکستر ابراهیم سلمکی به خوانندگی قاسم جبلی.

طاهونی، محمد [Mohammad Tâhuni]: محمد طاهونی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی بدنیا آمد. از ۱۲ سالگی زیر نظر خوانندگان مشهور کاشمر؛ میرشعبان؛ پدرش، میرزا حسن. عمویش و میرزا محمد به فراگیری آوازهای منطقه خود مشغول شد. او اکنون در روستای کسرینه کاشمر ساکن است و از قدیمی ترین و با تجربه ترین خوانندگان کاشمر بشمار میرود. شغل اصلی او کشاورزی است.

طایر، حاج [Hâj Tâyer]: حاج طایر سه تار ساز در مجمع الصنایع کاروانسرای وزیر نظام تهران، حجره داشت و سه تار و کمانچه می ساخت.

طایر شیرازی [Tâyer Širâzi]: حسن خان طایر شیرازی از شاعرهای اوائل عهد قاجار است که در ۱۲۱۵ هجری قمری به امر فتح علیشاه قاجار چشمانش را کور کردند. دیوان این شاعر بالغ بر ۵ هزار بیت شعر دارد. او در شطرنج، استاد زمانه خود بود و با وجود کوری کسی را یارا بردن او نبود. طایر شیرازی در سال ۱۲۴۴ هجری در کرمانشاه درگذشت.

طباء [Tabâw]: از خوانندگان مقیم آمریکا که تنها از او یک آلبوم بنام: توسن در دسترس میباشد.

طباطبائی، احتشام السادات [Ehtešâm - olsâdat Tabâtabâwi]: از خوانندگان عهد قاجار و از روضه خوانهای منزل کامران میرزا نایب السلطنه بوده است.

طباطبائی، جلال [Jalâl Tabâtabâi]: رئیس هنرهای زیبای کشور و معاون اداره نگارش در سال ۱۳۲۷ خورشیدی که با یاری رساندن به استاد روح خالقی باعث تأسیس هنرستان موسیقی ملی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی شد.

طباطبائی، جمال الدین [Jamâl-eddin Tabâtabâi]: نوازنده چیره دست تار در ارکستر استاد

آ،a آ،a آدم (Âdam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الهای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i و حدان (Vojdan) O,o V,v چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

مهدی خالدي با همكاري هنرمنداني چون: دلکش، علي زاهدي، فریدون حافظي، مصطفی کسروی، قاسم نیک پو، بزرگ لشگری، جواد لشگری و حسین همدانیان.

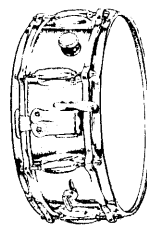
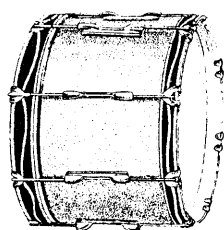
طبال [Tabbál]: طبل زن، نوازنده طبل

طبری [Tabari]: گوشه ای است که به آن امیری هم می گویند. گوشه طبری بر مبنای اشعار امیری بازواری شاعر مازندرانی است. طبری گوشه‌ای است در آواز دشتی.

طبقات [Tabaqāt]: درجات زیر و بمی صوت را طبقات گویند.

طبقه [Tabaqa]: مقصود پرده بندی ساز است.

طبل [Tabl]: سازی است کوبه‌ای و آن استوانه‌ای است میان تهی که بر دوسویش پوست کشیده اند و با تسمه هائی که در اطراف دارد. میشود با محکم کردن و یا شل کردن پوست در زیر یا بمی صدا تغییراتی داد. در فرهنگ لغات طبل را همان دُهل میدانند در صورتی که تفاوت بین طبل و دُهل در این است که طبل انواع مختلف دارد نظیر: طبل بزرگ، طبل کوچک، طبل شکار، طبل باز، طبل عسس و طبل جنگ در صورتی که دُهل همواره یک شکل دارد. تفاوت دیگر در نحوه کوبیدن آنهاست. کوبه های دُهل همسان نیست، کوبه دست چپ ترکه‌ای است بی انحنا و کوبه دست راست که ضخیم تر است چوبی است بشکل عصا (کوبه ترکه مانند، به پوست زیرین و کوبه عصاگونه به پوست روئی زده میشود). در حالیکه کوبه های طبل هردو یک اندازه و از نظر ضخامت یکسان میباشند.



طبل آویز [Tablâviz]: سازی است ایرانی شبیه به طبل.

طبل باز [Tabl-bâz]: طبل کوچکی است که میرشکاران به هنگام شکار باز می نواختند.

آ, a آدم (Ādam) S, s سرکش (Sarkes) J, j جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x خیام (Xayyam)
Z, z زانه (Zāle) C, c چوب (Cub) V, v وحدان (Vojdan) I, i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

طبل باس [Table Bás]: یک استوانه نسبتاً باریک چوبی است که دو قاعده‌اش از پوست پوشیده شده و با یک چوبدستی نواخته می‌شود.

طبل بشارت [Table Besârat]: نوعی ساز کوبه‌ای است که با کوبیدن بر پوست آن، مردم از خبری خوش و یا ناخوش مطلع می‌شوند.

طبل عسس [Table Asas]: طبل نسبتاً کوچکی است که در نیمه شب برای اعلام قطع عبور و مرور مردم نواخته می‌شد. نام دیگر این طبل، طبل بلدی است.

طیبیان، دکتر هوشنگ [Doktor Husang Tabibyân]: دکتر هوشنگ طیبیان از فعالین کار دوبلاژ فیلم و تولید و تکثیر صفحه و کاست موسیقی ایران در پیش از انقلاب است. استودیو کاسپین متعلق به این شخص بود که در یکی از فرعی‌های خیابان تخت جمشید واقع بود. در استودیو کاسپین، بیشتر سریالهای تلویزیونی نظیر بالاتر از خطر و چارپارل دوبله می‌شد. در آن سالها همکاران دکتر طیبیان عبارت بودند از: خسرو شاهی - طهماسب، مندانی، خانم مینو و خانم فرخنده. دکتر طیبیان در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می‌کند.

طبیعی [Tabiwi]: ملا طبیعی از خوانندگان و نوازندگان مشهور ایران در دوره صفوی است.

طپش، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Tapeš]: گروه موسیقی طپش که فعالیتش را در آمریکا و پس از انقلاب آغاز کرد. سرپرست این گروه، دکتر بهمن بدیعی بود که این گروه را در سال ۱۳۶۷ خورشیدی در لس آنجلس تشکیل داد و به دلائلی این گروه منحل گردید.

طراوتی، کمال [Kamâl Tarâvati]: کمال طراوتی، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در همدان بدنیا آمد. در کودکی موسیقی را با نواختن فلوت آغاز کرد و بعدها به هنرستان موسیقی ملی و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و رشته موسیقی و آهنگسازی را آموخت. او سازهای؛ پیانو، فلوت، کمانچه را بخوبی می‌نوازد ولی ساز تخصصی او پیانو است. کار این هنرمند بیشتر در زمینه موسیقی کودکان است. موزیک متن فیلم «خانه ابری» ساخته اکبر خواجوئی از کارهای این هنرمند است.

آ،ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

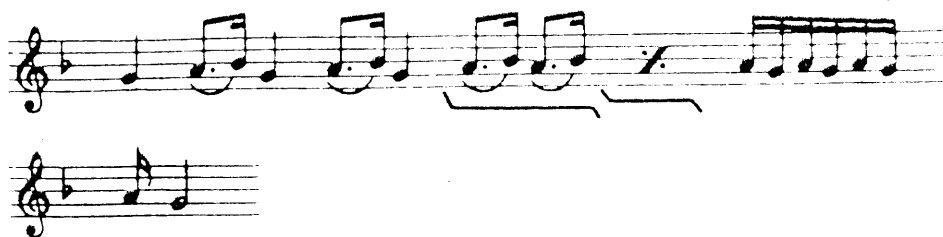
طرب [Tarab]: در موسیقی به حالتی گفته میشود که انسان از حال و هوش برود. این حالت ممکنست از ناحیه شادی باشد و یا از جانب حُزن و اندوه.

طرب [Tarab]: سازی است از آلات موسیقی رشته‌ای مقید، از رده تنبور.

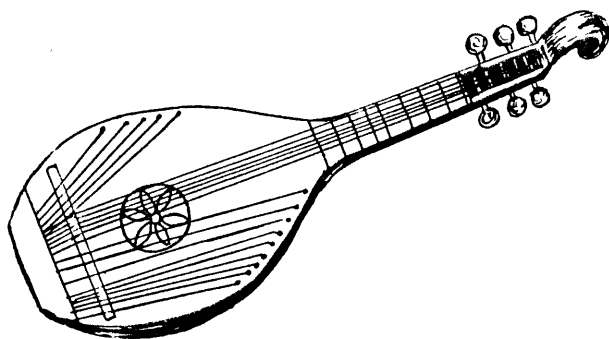
طرب الفتح [Tarab ol-Fath]: سازی است رشته‌ای مقید که عبدالقادر مراغه‌ای در مقاصدالالحان به آن اشاره کرده است.

طرب انگیز [Tarab angiz]: هنری فارمز محقق انگلیسی، از اختراع دو کمانچه در حدود سالهای ۱۳۰۰ هجری - قمری توسط شخصی بنام میرزا غلامحسین آقا جان یاد می کند که نام یکی از آنها طرب انگیز و دیگری مَدیلان آرا بوده است. هم چنین طرب انگیز؛ گوشه‌ای است در دستگاه ماهور.

طرب انگیز



طرب رود [Tarab Rud]: سازی است رشته‌ای مقید، از رده عود یا بربط. جعبه آن نظیر عود است ولی دسته آن درازتر است. شش رشته سیم اصلی دارد که دوتا دوتا با هم کوک میشوند. این ساز تعدادی سیم فرعی هم دارد، که روی کاسه طنینی نصب شده است. این ساز با مضراب یا زخمه‌ای از جنس پر مرغان درشت جثه نواخته میشود.



طرز [Tarz]: گوشه‌ای است در دستگاه ماهور، راست پنجگاه و همایون.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

طرز



طرز، دستگاه موسیقی [Dastgāh Musiqi Tarz]: از دستگاه های موسیقی اهل حق با نیم پرده خاص خود که از دستگاه های بسیار رایج در منطقه کرمانشاه است. طرز همواره در کوک فا - دو نواخته میشود.

طرز جعفری، دستگاه موسیقی [Dastgāh Musiqi Tarz Jawfari]: طرز جعفری قطعه ای موزون روی $\frac{4}{4}$ است که به سه قسمت چهار میزانی تقسیم شده و با فرودی از سه میزان پایان مییابد. این دستگاه در موسیقی اهل حق اجرا میشود.

طرز خان باباخانی [Tarze Xān Bābā Xāni]: قطعه موسیقی که بسیار نزدیک به طرز جعفری است، اما وسعت ناحیه آن به هسته طرز محدود میشود: (سی بمل) دو - ریمل - می دو بمل - یک دوره کوتاه، قبل یا بعد از طرز جعفری نواخته میشود.

طرز یاری، دستگاه موسیقی [Dastgāh Musiqi Tarz Yāri]: دستگاه معین و معلومی در موسیقی اهل حق است که ظاهراً به ردیف گورانی تعلق دارد. گام آن یک پنجم کامل را شامل میشود اما هسته دستگاه شامل سه نت است؛ سل، فا و می.

طرنگست [Tarangošt]: آواز تار و سازهای زهی. به صدای تار سازهای زهی طرنگست (Tarngast) هم میگویند.

طریق [tariq]: راه، مقام، آهنگ و پرده موسیقی.

طریق، امیر حسین [Amir Hoseyn Tariqat]: امیرحسین طریقت در سال ۱۳۶۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و در سال ۱۳۷۱ به کلاس، محمود فرهنگد بافی، نوازنده چیره دست ضرب رفت و آموختن ضرب را از ایشان یاد گرفت.

طریقّت، عبدالله [Abdollah Tarigat]: عبدالله طریقّت در سال ۱۳۲۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و از ۹ سالگی به مشق ویلن نزد هنرمندی بنام رضوی پرداخت. پس از چندی به هنرستان شبانه موسیقی ملی رفت و در کلاس، رحمت‌اله بدیعی، نصرت‌اله گلپایگانی، سیمین آقارزی و علی تجویدی ثبت نام کرد. و در ارکستر هنرستان به سرپرستی زنده یاد محمد علی امیر جاهد و رهبری فرامرز پایور به نوازندگی پرداخت.

عبدالله طریقّت در سال ۱۳۵۲ وارد دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران شد. طریقّت در حال حاضر به کار تدریس موسیقی می پردازد و ساز تخصصی او، ویلن است.

طریقّت، علی [Ali Tariqat]: علی طریقّت، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۶۸، نزد مهرداد ترابی رفت و در زمینه ساز سه تار کار کرد، سپس به کلاس استاد محمد موسوی رفت و نی نوازی را آموخت. استاد بعدی او؛ جلال ذوالفنون بود. علی طریقّت در واحد موسیقی فرهنگسرای بهمن به آموزش سه تار اشتغال دارد. علی طریقّت از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی و دانشگاه هنر میباشد.

طریقّت، محمد [Mohammad Tariqat]: نوازنده چیره دست سنتور و دف که در سال ۱۳۵۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و از سال ۱۳۷۲ به فراگیری موسیقی نزد؛ خانم ارفع اطرائی و جهانگیر نهاوندی پرداخت. امیرحسین، علی و محمد طریقّت فرزندان هنرمند گرانقدر عبدالله طریقّت هستند.

طرئق [Tarawaq]: در زمان فارابی، به نوعی موسیقی استادانه و هنری ماهرانه بر مبنای موسیقی قدیم ایران اطلاق میشده است (در مقابل موسیقی عامیانه و محلی).

طشت [Tast]: نوعی آلت موسیقی کوبه‌ای.

طغانیان دهکردی، کربلایی رمضان [Karbalai-Ramazan Toqaniyan Dehkordi]: نوازنده چیره دست سنتور که برادر بزرگ هنرمند گرانقدر محمد طغانیان دهکردی است. (لطفاً به طغانیان دهکردی، محمد نگاه کنید).

طغانیان دهکردی، محمد [Mohammad Toqaniyan Dehkordi]: از کمانچه نوازان بزرگ

آ, a آدم (Adam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkesh) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I, i وجدان (Vojdan) V, v O, o چوب (Cub) C, c U, u زاله (Zale) Z, z

شهرکرد. محمد طغانیان، در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در دهکرد قدیم، بدنیا آمد. مشوق او در کودکی شوهر خواهرش، استاد نایب علی دهکردی بود. در آن زمان، در دهکرد، مدرسه‌ای بود بنام پروین اعتصامی که مدیریت آن با زنده یاد ساعی بود. ساعی با نواختن تار آشنا بود. بودجه مدرسه از طرف چند تن از خوانین بختیاری ساکن تهران تأمین میشد. یکبار که محمد به اتفاق ساعی و برادرش به تهران می‌آید، بدیدار استاد ابوالحسن صبا میروند و محمد در خانه استاد صبا میماند. و صبا برای او کمانچه‌ای می‌خرد و به او تعلیم میدهد. و این تعلیم سه سال طول میکشد. محمد طغانیان، در ۱۶ سالگی به اصفهان می‌رود و همکاری خود را با رادیو ارتش آغاز می‌کند و بارها صدای تاج اصفهانی را با کمانچه همراهی می‌کند. فعالیت محمد طغانیان در اصفهان، او را به تلویزیون اصفهان میکشانند. محمد طغانیان بعثت بیماری، پای خود را از دست داده و در شهرگرد گوشه گیر شده است.

طلائی، برادران [Barádarán Taláwi]: کم‌دین‌های معروف پیش از انقلاب که از آنها ترانه‌های فکاهی بسیاری بجا مانده است. ترانه‌های آنها براساس آهنگ‌های معروف آن روزگار تنظیم و اجرا میشده است.

طلائی، داریوش [Dáryuš Taláwi]: نوازنده چیره دست تار که در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد.

فراگیری موسیقی را ابتداء در هنرستان موسیقی ملی آغاز کرد و سپس به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و به تکمیل و ادامه رشته موسیقی پرداخت. در هنرستان، زیر نظر، استاد علی اکبر شهنازی، تعلیم دید و در دانشکده هنرها با استادهائی چون، نورعلی خان برومند و دکتر داریوش صفوت کار کرد. داریوش طلائی، در سال ۱۳۵۰ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی مشغول به کار شد و در این زمان از محضر استادهائی چون؛ یوسف فروتن، سعید هرمزی و عبدالله دوامی بهره برد. طلائی در نواختن تار، سبک میرزا حسین قلی را دنبال می‌کند.

طلعت خانم [Talwat Xānom]: نوازنده مشهور تنبک در عهد قاجار که صدای خوبی هم داشته است.

طلوعی، زیداله [Zeydollah Toluwi]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان ممتاز استاد علی اکبر شهنازی است.

زیداله طلوعی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در گرگان بدنیا آمد. او از کودکی نواختن تار را نزد پدر بزرگش
A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

آموخت. او بعدها به تهران آمد و در هنرستان موسیقی ملی دوره شبانه، نزد حبیب اله صالحی و در هنرستان عالی موسیقی روزانه تحت نظر، استاد علی اکبر خان شهنازی با ردیف های آقامیرزا حسین قلی آشنا شد. او سپس به کلاس زنده یاد محمود کریمی رفت. طلوعی در سال ۱۳۵۴ با تأسیس گروه شیدا، به سرپرستی محمد رضا لطفی همکاری خود را آغاز می کند.

طنبوره‌ای، رضا [Reza Tanburei]: از نوازندگان معروف تنبور در عهد صفوی (زمان شاه عباس اول) بوده است.

طنبوره‌ای، سلطان محمد [Soltan Mohammad Tanburei]: از نوازندگان برجسته تنبور در دوره صفویه. او، اهل ورامین بود، سپس به مشهد رفت و در خدمت سلطان ابراهیم میرزا درآمد و در آنجا تا آخر عمر باقی ماند.

طنبوری، علی کوچکی [Ali Kuceki Tanburi]: از نوازندگان تنبور در سده نهم هجری است.

طنین عرفان‌اندیشه [Tanin Erfane Andise]: شرکت فرهنگی هنری در شیراز که به کار تولید و تکثیر و پخش نوارکاست و CD موسیقی ایرانی می پردازد.

طنینی [Tanini]: که به اختصار با «ط» نشانه گذاری شده، پرده بزرگ (2L+C) در گامهای موسیقی قدیم ایران پس از حمله اعراب است که فاصله دوم بزرگ نیز به آن گویند. این فاصله امروزه ۵۰ ساوار است.

طور [Tur]: گوشه‌ای از شعبه ماهور.

طوس [Tus]: گوشه‌ای در دستگاه ماهور



طوسی [Tusi]: گوشه‌ای است در دستگاه ماهور. به این گوشه، نصیرخوانی هم میگویند.

آ,ā A,ā آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) (الفای) نوین برای درست خواندن

طوسی [Tusi]: مولانا عبدالله طوسی، از شاعران نام آور سده نهم و غزل سرای بزرگی در آن دوران بوده است. او در عهد سلطان بایسنقر (۸۵۲ - ۸۶۱ هجری) شهرت یافت. سال وفات او ۸۶۹ هجری در شیراز است.

دیوان اشعار طوسی مشتمل بر قصاید و مقطعات و غزلیات او یکبار در بمبی هندوستان با نام اشتباه نصیر طوسی چاپ شده است.

طوفان [Tufán]: خواننده مشهور پیش از انقلاب که در حال حاضر از فعالیت خوبی در لس آنجلس برخوردار است. آلبوم سارا، از کارهای این هنرمند است.

طوفان پور، محمد [Mohammad Tufán-Pur]: از هنرآموزان قدیمی هنرستان عالی موسیقی تهران.

طهماسبیان، براگجر [Boràgojar Tahmàsebyàn]: براگجر طهماسبیان در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در نورآباد لرستان بدنیا آمد. نخستین نغمه های «مور» را در نو جوانی از استادش: شاه عباس گیتی وند، در لرستان آموخت. او از معروفترین و مسلط ترین خوانندگان لرستان است.

طهماسبی، محمد ابراهیم [Mohammad Ebrāhim Tahmāsebi]: محمد ابراهیم طهماسبی از خوانندگان مشهور کردستان است که در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در شهرستان بیجار بدنیا آمد. او بعدها با رادیو سنندج و کرمانشاه همکاری خود را آغاز کرد. او بالغ بر یکصد ترانه اجرا کرده است. اولین ترانه او «مریم باوانم» بود که در سال ۱۳۳۷ خورشیدی پخش شد.

طهماسیانس، روبن [Ruben Tahmāsyāns]: استاد و نوازنده چیره دست ویلن در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی در تهران که به شاگردانش متد اروپائی تدریس می کرد.

طه، منیر [Monir Te]: دکتر منیر طه، از شاعران و ترانه سرایان مشهور معاصر که همکاری مستمری با خوانندگان بزرگ قدیمی چون، غلامحسین بنان داشته است. دکتر منیر طه در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. او دکترای خود را در رشته ادبیات دریافت داشت. دکتر منیر طه از غزل سرایان معروف

آدم (Adam) A,a A,a S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām) وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

معاصر است. از ترانه های زیبائی که توسط این شاعر سروده شده میتوان به: ای بهار من با آهنگ محلی تجویدی، مرا عاشقی شیدا با صدای استاد بنان و آهنگ علی تجویدی و شیرین شیرین در دستگاه همایون با آهنگ استاد علی تجویدی اشاره کرد.

طیبی، حسین [Hoseyn Tayebi]: نوازنده چیره دست ویلن که در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در تجریش شمیران بدنیا آمد. آموختن ویلن را از سن ۱۸ سالگی آغاز کرد، سپس به هنرستان عالی موسیقی رفت و مدت سه سال نزد هنرمند گرانقدر زنده یاد حبیب اله بدیعی ادامه تحصیل داد و ردیف های استاد صبا را پایان برد.